

عوامل، موانع و راهکارهای مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه‌های تربیتی امام علی (ع)

اسماعیل خارستانی*

ایراندخت فیاض**، علی خورسندی***

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی عوامل، موانع و راهکارهای مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه‌های تربیتی امام علی (ع) می باشد که با روش تحلیلی و استنتاجی انجام شده است.

در این تحقیق پیش از پرداختن به هدف اصلی تحقیق، اهمیت نظم در زندگی، اصول و فنون انضباط مورد بررسی قرار گرفته است. سپس عوامل، موانع و راهکارهای مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه‌های تربیتی امام علی (ع) استنتاج و تحلیل شده است.

نتیجه تحقیق نشان می دهد که عواملی که در این تحقیق استنتاج شده و مورد بررسی قرار گرفت، مختص به زمان و دوره امام علی (ع) نمی باشد، بلکه این عوامل برای هر دوره و زمانی قابل اجراست و چنانچه این عوامل و موانع و راهکارها، ملاک و معیار انضباط اجتماعی قرار گیرد، آثار مثبت و سازنده آن در سازمانها و جوامع محقق خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، انضباط اجتماعی، آموزه‌های تربیتی، عوامل مدیریتی.

* دانشجوی دکتری، دانشگاه علامه، kharestani57@yahoo.com

** دکترای تخصصی، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه، iranfayyaz@yahoo.com

*** دکترای تخصصی، استادیار، khorsandi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳

۱. مقدمه

نظم‌مداری و عمل به قانون راه دوری از تنش‌های بشری است. انسان‌گرایی‌های گوناگونی دارد که با یکدیگر ناسازگارند. نظم می‌تواند با مدیریت‌گرایی‌های متفاوت و گاه متضاد آنها را سازمان‌دهی کند و به صلاح جامعه سوق دهد. احترام و پایبندی به مرزها، نیاز بشر برای زندگی عاری از تنش می‌باشد.

در فرهنگ توحیدی و اسلام هر چیزی از جمله نظم اجتماعی، در راستای هدف خلقت ارزیابی می‌شود و بدیهی است که هدف از نظم اجتماعی در فرهنگ دینی و قرآنی تنها تأمین رفاه مادی و منافع دنیوی نیست؛ بلکه علاوه بر تأمین رفاه و منافع دنیوی، تکامل انسانی و سعادت اخروی بشر مورد نظر است و روشن است که در مقام تعارض، سعادت اخروی بر امور دنیوی مقدم شمرده می‌شود (مصباح یزدی، ۲۶-۲۷: ۱۳۷۹).

در واقع اسلام با پیوندی که میان فرد و خالق واحد نظام آفرینش برقرار می‌نماید، در ساماندهی به امور اجتماعی خود یکی از ابزارهای کنترل درونی را فراهم می‌نماید، عاملی که در صورت اجرای حقیقی به مراتب از عوامل کنترل‌کننده دیگر موثرتر و کارسازتر است.

فرهنگ‌های اعتقادی قوی قادرند از طریق ارائه الگوهای رفتاری مشخص، خود انضباطی و خودکنترلی را در افراد ایجاد کنند. آنها از طریق القای رفتارها، ارزشها و هنجارهای اجتماعی بر معتقدین خود تأثیر می‌گذارند (الوانی، ۱۳۴: ۱۳۷۵).

یکی از این الگوها امام علی (ع) است. آن حضرت در امور فردی و اجتماعی، طرفدار جدی نظم و انضباط بودند و به کارگزاران خود مکرر توصیه می‌کردند که انضباط را در کارها فراموش نکنند. آنها باید تلاش کنند هر کاری در وقت مقرر خود انجام شود. (رضاییان و اسدالله زاده، ۶۶: ۱۳۹۳)

با طرح و برنامه است که فرد می‌تواند در کارها به هدف و مقصد خود دست یابد. بر همین اساس است که حضرت علی (ع) همه را به رعایت نظم و انضباط دعوت می‌کند. انضباط به معنی صحیح یعنی اینکه فرد شخصا اعمال و رفتار خود را تحت نظم و قاعده درآورد. خویشتن را کنترل و هدایت کند و با توجه به آثار و نتایج اعمال خویش اقدام نماید. افراد در هر دوره از زندگی، مسئول کار خود می‌باشند. در دوره بلوغ، این مسئولیت جنبه قانونی نیز پیدا می‌کند. قدرت مافوق، ترس از تنبیه، محدودیت، گروه همسن و معلم در تمام اوقات و مراحل مختلف زندگی قادر به کنترل و اداره فرد نیستند. در موارد

خاصی طرز کار فرد لطمه‌ای به منافع جمع وارد نمی‌کند که دستگاه‌های اجتماعی جلوی فعالیت او را بگیرند، در این گونه موارد آثار اعمال فرد در وضع خود او تأثیر می‌گذارد. بنابراین باید فرد را طوری تربیت کرد که خود شخصا اعمال خویش را کنترل نماید و رفتار خود را مطابق قاعده و قانون معینی سازد. فرد باید در هر مرحله از زندگی عاقلانه رفتار نماید و از روی سنجش و تدبیر اعمال خود را اداره کند، انضباط در این معنی هدف اساسی تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد. (شریعتمداری، 477-476: 1390)

از همین روست که امام علی (ع) در واپسین روزهای زندگی شریفشان در توصیه به نظم، آن را از ارزشهای برتر اسلامی معرفی نموده و هم‌ردیف با تقوای الهی قرار داده‌اند

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَلَّا تَبْغِيَ الدُّنْيَا وَ إِنِ بَغْتُمْهَا وَ لَأَ تَأْسَفَا عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا زُورِي عَنْكُمْ وَ قُولَا بِالْحَقِّ وَ اعْمَلَا لِلْآجِرِ وَ كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَ لَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ وَ... (نامه 47).

این سفارش حضرت در راستای امر خداوند به اقامه قسط و عدل و رعایت آن در روابط اجتماعی و نهی از ایجاد فساد می‌باشد (سوره نساء، آیه 135 و سوره اعراف، آیه 74). دلشاد تهرانی، ضمن بیان اینکه شأن انسان عاقل، نظم و برنامه ریزی است، ریشه آن را در همسویی قوای عقلیه، شهویه، غضبیه و عملیه در فرد می‌داند که البته می‌تواند در جهت نظم دنیایی و یا در جهت نظم اخروی سامان یابد. بدین ترتیب، تأکید بر عقل معاش (عقل حسابگر، مکسبی) نظم دنیایی و تأکید بر عقل معاد (عقل کلی، ایمانی و هدایتگر) نظم آخرتی را به وجود می‌آورد. این معنا البته درباره جوامع نیز صادق است و مادامی که قوای جامعه همسو نشوند، ناهماهنگی، پراکندگی، رویارویی و سستی و رکود، وجود خواهند داشت (دلشاد تهرانی، 231-248: 1385).

نظم اجتماعی، مستلزم نظم و انضباط فردی افراد است و زندگی سالم اجتماعی در سیستمها و نظامها زمانی تحقق می‌یابد که افراد، قوانین، قواعد، مقررات، حدود و حقوق یکدیگر را محترم شمارند و احترام به قانون، نظم پذیری، مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی در جامعه نهادینه شود و با جسم و روح افراد آن عجین گردد. برای انضباط اجتماعی نه تنها باید از طریق کار فرهنگی، احترام به قانون و مقررات را به عنوان یک ارزش در وجود افراد جامعه، درونی ساخت، بلکه لازم است از طریق بررسی، مطالعه و شناسایی عوامل مؤثر با این پدیده مهم، در جهت استقرار و حاکمیت انضباط اجتماعی در جامعه یاری کرد. لازمه این امر، این است که عوامل مؤثر و مرتبط با انضباط اجتماعی را شناسایی، موانع را

تضعیف و راهکارهای تسهیل‌کننده و مشوق را تقویت کرد. برای توفیق در این امر مهم، ضرورت دارد؛ موضوع به صورت علمی بررسی و مطالعه گردد. در برخی از تحقیقات نیز که به بررسی انضباط اجتماعی پرداخته اند، به برخی از عوامل مؤثر در آن اشاره نموده اند که به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

حجازی طاقانکی (1396) در تحقیقی که با عنوان «نظم اجتماعی در عهدنامه مالک اشتر و ارتباط آن با آیات قرآن بر اساس تفسیر نمونه» به این نتیجه رسید که؛ به کار گماردن مدیران نیرومند و توانا و امین، وقت شناسی و اجرای قوانین از عوامل برقراری و حفظ نظم اجتماعی به شمار می‌روند. از طرف دیگر، فساد و هواپرستی از مهم‌ترین عوامل ایجاد بی‌نظمی اجتماعی به شمار می‌رود.

همچنین صمدی (1390) در تحقیقی با عنوان «نظم فردی و اجتماعی و مطالعه آن در سیره و سخن حضرت علی علیه‌السلام» نشان داد که؛ مدیریت زمان و داشتن برنامه از عوامل مؤثر در انضباط اجتماعی است.

گرجیان و حسنی علیایی (1390) نیز در تحقیقی با عنوان «اسلام، اخلاق و انضباط اجتماعی»، به این نتیجه رسیدند که؛ موضوعاتی نظیر عفو و گذشت، وفای به عهد، صداقت و امانت‌داری و... می‌تواند جامعه را به منظم‌ترین و منضبط‌ترین اجتماع بشری مبدل نماید.

تحقیق حسامی (1388) با عنوان «اسلام و انضباط اجتماعی»، نشان داد که؛ عواملی همچون مشارکت، به هم پیوستگی و همبستگی در پیدایش نظم اجتماعی دخالت دارند. جلائیان اکبر نیا (1386) در تحقیقی با عنوان «نظم و انضباط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی»، به این نتیجه رسید که؛ هدف، برنامه‌ریزی و مدیریت از عناصر تشکیل‌دهنده نظم می‌باشد و گریز از پیامدهای بی‌نظمی و دست یافتن به آثار آن با شناخت و احتراز از موانع نظم حاصل می‌شود.

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما (1386) در تحقیقی با عنوان «نظم و انضباط»، به این نتیجه رسید که؛ راه‌های دست‌یابی به نظم با تأکید بر عناصر برنامه‌ریزی، آگاهی، تقسیم کار و تقسیم وقت است.

عوامل، موانع و راهکارهای مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط ... ۵

افجه ای (1377) در تحقیقی با عنوان « تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر وجدان کاری و انضباط اجتماعی در میان کارکنان»، به این نتیجه رسید که؛ 1- تقویت باورهای دینی -2 تربیت خانوادگی -3 رعایت اصل شایستگی در انتصاب ها -4 ارزشیابی صحیح از عملکرد مسئولین و کارکنان -5 رعایت نظم توسط خود مسئولین از عوامل مؤثر بر انضباط اجتماعی هستند.

روحانی و کریمی (1376) در تحقیقی با عنوان « بررسی روش های ارتقای بهره وری در ساعات کار در ارتباط با وجدان کاری و انضباط اجتماعی»، به این نتیجه رسیدند که؛ خود کنترلی، خود رهبری، خود مدیریتی و خودگردانی از عوامل مؤثر بر شکل گیری انضباط اجتماعی معرفی هستند.

ابطحی (1375) در تحقیقی با عنوان « نقش فرهنگ ملی و بومی در وجدان کاری و انضباط اجتماعی» به این نتیجه رسید که؛ فقدان انضباط اجتماعی، زمینه ای برای اجرا نشدن تصمیمات رهبران و معطل ماندن و تلاش نکردن در جهت استفاده بهینه از امکانات است. ساندی مبوها و ساندی ادوها (2019) در تحقیق خود نشان دادند که هر یک از دیدگاههای بیان شده در خصوص نظم اجتماعی تنها بخش کوچکی از حقیقت را در خود دارد، زیرا هر یک به توصیف آنچه در بعضی از جوامع یا بخشی از جوامع که دارای سبک های مختلف، در دوره های مختلف تاریخ و در موقعیت ها یا شرایط خاص است، پرداخته است. اما در نظر گرفتن هر کدام به عنوان "نظری" نظم اجتماعی جهانی، غیر واقعی است. برای رهایی از این رویکرد غیر واقعی که برخی از بحث های جامعه شناختی نظم اجتماعی را در بر می گیرد، لازم است به یاد داشته باشید که اغلب هماهنگی اجتماعی به دست نمی آید، و اینکه نظم و نظم اجتماعی یک اصطلاح بسیار نسبی است. بی نظمی در یک جامعه خاص یا بخشی از جامعه نتیجه نیروهای پیچیده، وابستگی متقابل، همکاری و تعارض، قدرت و ضعف، اتحاد و شکاف بین افراد و گروه ها است. نتیجه تحقیق همچنین نشان داد که، چالشهای اجتماعی که در اثر بی نظمی ایجاد می شود و کشور را به خطر می اندازد و توسعه آن را کاهش می دهد، عبارتند از فقر، فساد، نابرابری، میزان مرگ و میر کودکان، سطح پایین تحصیلات، فرقه گرایی، سرقت و حملات دزدی.

نتایج تحقیق لروین، مک کریمون و سیمپسون (2010) نشان داد که نظم اجتماعی فقط در صورتی امکان پذیر است که افراد از پیگیری های محدود منافع شخصی خود برای رسیدن به منافع بیشتر خودداری کنند.

استوارت (2008) در تحقیقی به این نتیجه رسید که؛ منبع کنترل یک ویژگی شخصیتی و مجموعه ای از انتظارات است که به وسیله عوامل موقعیتی بر افراد تأثیر می گذارد و افراد نتایج عملکرد خود را تحت تأثیر تلاش های خود (کنترل درونی) یا تحت تأثیر نیروهای بیرونی فراتر از کنترل خود (کنترل بیرونی) می دانند.

ویلکن و همکاران (2002) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که؛ ساختار کنترل درونی شامل دو موضوع شناختی و رفتاری و ساختار کنترل بیرونی نیز شامل سه آیت؛ شرایط حال و گذشته، اقتدار دیگران و عدم انتخاب می باشد

با توجه به مطالبی که ذکر گردید مشخص شد که مقوله نظم و انضباط، در آموزه های مکتبی ما از چنان جایگاه و اهمیتی برخوردار است که مولای متقیان علی (ع) در آخرین دقایق عمر شریف خویش، امت را به تقوای الهی و رعایت نظم در امور دعوت می کنند. (نامه 47) تمسک به فرمایشات امیر المومنین (ع) در رابطه با انضباط اجتماعی می تواند راهگشای حل تعارضات و بهبود و ارتقای جامعه باشد.

شناسایی عوامل و موانع و ارائه راهکارهای مدیریتی مؤثر بر انضباط اجتماعی به تحقق انضباط اجتماعی در سازمانها و جوامع کمک خواهد نمود. بر این اساس مسأله اصلی تحقیق نیز شناسایی عوامل، موانع و راهکارهای مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه های تربیتی امام علی (ع) می باشد که با استناد به نهج البلاغه مورد بررسی قرار می گیرد.

۳. اهداف تحقیق

- بررسی اهمیت نظم در زندگی
- بررسی فنون و اصول انضباط
- بررسی و تحلیل عوامل مدیریتی مؤثر در انضباط اجتماعی
- بررسی و تحلیل موانع مدیریتی مؤثر در انضباط اجتماعی
- بررسی و تحلیل راهکارهای مدیریتی مؤثر در انضباط اجتماعی

۴. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، دو روش؛ تحلیلی و استنتاجی است. نوع تحلیلی که ما به واسطه آن به فهم معتبر از معنای عادی یک مفهوم یا مجموعه ای از مفاهیم مرتبط دست می یابیم، تحلیل مضمون (تحلیل مفهومی) نامیده می شود. هم چنین در این تحقیق از روش کتابخانه ای نیز استفاده می شود. جستجو در میان کتاب ها و مقالات موجود در کتابخانه ها و ژورنال ها و سایت های تخصصی در این زمینه و فیش برداری از آنها در انجام مراحل تحقیق از ضروریات می باشد. در این تحقیق، با اتکا به منابع و اسناد موجود در ارتباط با انضباط اجتماعی بطور عام و انضباط اجتماعی در آموزه های تربیتی امام علی (ع) و بخصوص نهج البلاغه بطور ویژه، اهداف تحقیق مورد بررسی قرار گرفته اند.

۵. یافته های تحقیق

۱.۵ اهمیت نظم در زندگی

خدای توانا و حکیمی که نظم را در دستگاه پهناور و عظیم خلقت قرار داده است، همین نظم را در زندگی انسانها و روابط اجتماعی آنان می پسندد. از این رو، شایسته است که انسان در زندگی فردی و اجتماعی خویش، نظم و ترتیب و تدبیر در امور را مراعات کند؛ زیرا به گفته روانشناسان:

«احتیاج به نظم و ترتیب، جزء احتیاجات اساسی روانی محسوب می گردد، رنگ و شکل و خاصی به زندگی می دهد، افراد میل دارند زندگی فردی و جمعی خود را تحت نظم و قاعده مشخصی در آورند.» (شریعتمداری، 1390: 149)

از دیدگاه جامعه شناسان انضباط اجتماعی عامل زنده ماندن جامعه است و جامعه بدون آن دچار از هم پاشیدگی درونی و بیرونی می گردد (محسنی، 1394: 45)

از اینرو می توان گفت نظم مداری و عمل به قانون راه دوری از تنشهای بشری است. انسان گرایشهای گوناگونی دارد که با یکدیگر ناسازگارند. نظم می تواند با مدیریت گرایشهای متفاوت و گاه متضاد آنها را سازمان دهی کند و به صلاح جامعه سوق دهد. احترام و پایبندی به مرزها، نیاز بشر برای زندگی عاری از تنش می باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «أَفْضَلُ الْأَدَبِ أَنْ يُقَفَّ الْإِنْسَانُ عِنْدَ حَدِّهِ وَلَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ» (تمیمی آمدی،

1366: ج 2/247؛ بهترین ادب آن است که انسان در حدّ و مرز خود بماند و از اندازه خویش فراتر نرود.

۲.۵ فنون انضباط

در گذشته تنها یک فن انضباط مطرح می‌شد و آن انضباط مبتنی بر اقتدار بود. در صورتی که امروزه فنون دیگری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌طور کلی فنون انضباط را می‌توان به سه نوع طبقه‌بندی کرد که به این قرار است:

یک. فنون انضباطی قدرت طلب: در این فن‌ها، اساس انضباط بر قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی مبتنی است و کلمات "باید" و "نباید" در آنها بیشتر به‌کار برده می‌شود. در این فنون، تنبیه برای هرگونه کوتاهی اساس تلقی می‌شود تا جایی که معیارهای مورد انتظار رعایت شوند و از تمجید خبری نیست و یا بسیار کم است.

دو. فنون انضباطی آسان‌گیر: انضباط آسان‌گیر در واقع انضباط نیست و معمولاً فرد را به رفتار مورد تأیید جامعه یا گروه هدایت نمی‌کند و تنبیهی هم در کار نیست.

سه. فنون انضباطی دموکراتیک: این روش انضباط به تبیین، بحث و استدلال درباره رفتار مورد نظر می‌پردازد و روی جنبه آموزشی یا تربیتی انضباط بیش از جنبه تنبیهی آن تأکید می‌کند. انضباط دموکراتیک، تنبیه یا پاداش را به‌کار می‌برد اما روی پاداش بیش از تنبیه تأکید می‌ورزد و از وسیله تنبیه زمانی استفاده می‌کند که آخرین راه علاج باشد. زیرا به نظر طرفداران این نوع انضباط، این روش به افراد کمک می‌کند که رفتار خود را شخصاً کنترل کنند و کنترل درونی را بر کنترل بیرونی ترجیح دهند. (شعاری‌نژاد، 218: 1383)

آنچه لازم است در فنون انضباطی مد نظر باشد این است که؛ نظم و انضباط را باید از همان آغاز زندگی به کودکان آموخت، زیرا کودک، بیش تر عادت هایش را در این سنین کسب می‌کند و شخصیتش را شکل می‌دهد. در این دوران، انضباط برای کودک بسیار ضروری است؛ زیرا او در آغاز زندگی است و نظم و تربیت سبب آرامش اعصاب و روانش می‌شود و شخصیتش را کامل می‌سازد. (گالیمار، 21: 1387)

امیر مومنان (ع) در این خصوص می‌فرمایند: «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (نامه 31؛ قلب کودک چونان زمینی خالی است که هر بذری در آن افشانده شود، می‌پذیرد).

برای این که انضباط، ابتدا به صورت یک حالت، در درون فرزند شکل گیرد و سپس به عادت و آن گاه به ملکه ای درونی مبدل شود، لازم است در استوار ساختنش مداومت کرد.

۳.۵ اصول انضباط

انضباط یک فرایند آموختنی است و تقریباً در همه مراحل زندگی مورد نیاز همگان است که رفتارش را با معیارهای اجتماعی منطبق کند، بنابراین اصولی دارد که عبارتند از:

اصل اول: قواعد و مقررات

برای راهنمایی رفتار در هر موقعیت. این مقررات دو وظیفه مهم ایفا می کنند: ارزش تربیتی دارند. یعنی رفتار مطلوب را می آموزند. از بروز رفتار نامطلوب جلوگیری می کنند.

اصل دوم: تنبیه

عبارت است از یک محرک آزاردهنده به دنبال یک رفتار نامطلوب، برای شکستن خودسرانه در رشد اخلاقی که سه نقش مهم برعهده دارد.

الف. وظیفه یا نقش محدودکننده. تنبیه از تکرار عمل نامطلوب جلوگیری می کند.
ب. نقش تربیتی. فرد پیش از آنکه بتواند قواعد و مقررات را دریابد، می تواند یاد بگیرند که بعضی اعمال درست و بعضی نادرست هستند، که اگر مرتکب شوند مورد تنبیه قرار خواهند گرفت.

نقش انگیزش. به اجتناب از رفتار اجتماعی نامطلوب یا تأیید نشده. افراد به محض اینکه پیامدهای رفتار خود را پیش بینی کنند، می توانند از انجام دادن عمل نادرست خودداری کنند. (شعاری نژاد، 217: 1383)

اصولی که بدانها اشاره شد در این سخن امام علی (ع) به مشهود است: «وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَّيْنٌ بَلَّغْنِي أَنْكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شَدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَقْرِ تَقِيلُ الظَّهْرَ ضَيْبِلَ الْأَمْرِ» (نامه 20)؛ من سوگند به خدا یاد می کنم از روی راستی و درستی اگر به من رسد که تو در بیت المال مسلمانان به چیزی اندک یا بزرگ خیانت کرده و برخلاف دستور صرف نموده ای، بر تو سخت خواهم گرفت؛ چنان سختگیری که تو را کم مایه و گران پشت و ذلیل و خوار گرداند.

در این کلام ضمن دعوت به رعایت قانون، تنبیه را در صورت عدم رعایت مقررات و قوانین گوشزد نموده اند.

۴.۵ عوامل مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی

۱.۴.۵ مصلحت اندیشی

یکی از خصوصیات جامعه کارا و موفق، مصلحت اندیشی است. بدین معنی که اعضاء جامعه ای که در جامعه مشترکی به سر برده و منافع مشترکی را نیز تعقیب میکنند، ضروریات نظام اجتماعی، از ضروریات زندگی خود به حساب آورده و عملکردهای خود را بر این اساس تنظیم نمایند.

در جامعه دینی که هدف اصلی آن حفظ و پاسداری از دین الهی و تأمین سعادت دنیوی و اخروی مردم است، می بایست به گونه ای عمل نمود که بقای نظام دینی بهانحاء مختلف فدای نفع طلبیهای شخصی نشود و در صورت تخییر بین دو امر فردی و اجتماعی، امر اجتماعی مقدم گردد.

امام علی (ع) همواره به این مهم توجه داشته تا آنجا که در ماجرای غصب خلافت که از طرف رسول خدا به ایشان واگذار شده بود، صبر را پیشه خود میسازد و از حق مشروع خود میگذرد تا دین الهی از آسیبهای جدی مصون و محفوظ بماند. آن حضرت در اینباره میفرماید: «فَفَظَرْتُ فِي أَمْرِي فَإِذَا طَاعَتِي قَدْ سَبَقَتْ بِيَعْتِي، وَإِذَا الْمِيثَاقُ فِي عُنُقِي لِعَيْرِي» (خطبه 37)؛ در کار خود اندیشیدم، دیدم پیش از بیعت، پیمان اطاعت و پیروی از سفارش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را بر عهده دارم، که از من برای دیگری پیمان گرفت. (پیامبر) صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود اگر در امر حکومت کار به جدال و خونریزی کشانده شود، سکوت کن.

حفظ اصل دین در مصلحتشناسی دینی از عناصر پایهای نظام دینی به حساب آمده و نشانه اولویت بندی در سیاست گذاری سازمانها و جوامع است.

۲.۴.۵ تنظیم ساختاری

هر جامعه ای که بخواهد نظم اجتماعی را در سطح کلان، تثبیت کند و استمرار بخشد، باید از یک سو ارزش ها و مبانی نظم اجتماعی اش را در میان اعضا انتشار دهد و بدین وسیله

ساختار نظم اجتماعی خاص خود را در جامعه استوار کند و باید به گونه ای عمومیت نسبی را به دست آورد. در این زمینه فرآیندهای فرهنگ سازی و جامعه پذیری نقش مهمی دارند. از سوی دیگر، باید فرهنگ حاکم بر جامعه جریان یابد تا بتواند خرده فرهنگ های موجود در جامعه را در برگیرد و امکان اجتماع آنها را تحت یک نظام اجتماعی فراهم کند. (چلبی، 22: 1391-30)

از جمله علائم حاکمیت انضباط اجتماعی، تنظیم و سازماندهی ساختارهایی است که در تحقق نظم اجتماعی در جامعه نقش تعیین کننده دارند. تنظیم ساختاری می تواند موجبات پیشبرد اهداف مطلوب اجتماعی را فراهم سازد. امام علی (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر می فرماید:

و تَفَقَّدُ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَ أَهْلِهِ وَ لِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بَغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا فَإِنَّ شَكْوًا ثَقَلًا أَوْ عِلَّةً أَوْ انْقِطَاعَ شَرِبٍ أَوْ بَالَةً أَوْ إِحَالَتهَ أَرْضٍ اغْتَمَرَهَا غَرَقٌ أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ خَفَّفَتْ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجُّوْنَ أَنْ يُصْلِحَ بِهِ أَمْرُهُمْ (نامه 53)؛

مالیات و بیت المال را به گونه ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می باشد، و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگانند. باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی گردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد. پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی، یا خشک شدن آب چشمه ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب ها، یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد.

همچنان که در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر مشهود است؛ در صورتی ساختارها به درستی ترسیم و تنظیم شوند، به تحقق انضباط در سازمان و جامعه می انجامد.

۳.۴.۵ اقدام سنجی و اولویت بندی کارها

در نظر گرفتن اولویتهای عملکردها از عوامل مهم نظم اجتماعی است. از آنجاکه فکر و اندیشه و فرصت، گنجایش همه کارها را ندارد، وقتی شخص نیروی خود را به کارهای غیر مهم، مشغول میدارد از کارهای مهم بازماند و به در همریختگی کارها مبتلا میگردد (جلالیناکبریا، 91: 1386).

حضرت علی (ع) در نظر گرفتن موقعیت در کارها را به عنوان الگوی عملکردی صحیح در جامعه دینی برشمرده و در نامه خود به فرزندش امام حسن (ع) در آموزش راه و رسم زندگی به وی، بر بکارگیری این اصل در تعاملات اجتماعی تأکید میفرماید: «جایی که مدار کردن درستی به حساب آید به جای مدارا درستی کن» (نامه 31) و در نامه ای نیز به یکی از فرماندارانش به این مطلب اشاره می کند: «مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ وَأَعْتَزَمَ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ» (نامه 46)؛ در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، و درجایی که جز با درستی کار انجام نگیرد، درستی کن. همچنین، داشتن یقین در کارها شرط لازم و اساسی جهت اقدام صحیح و سنجیده در جامعه بوده که حضرت علی (ع) در نهج البلاغه بر آن تأکید می نماید. چنانکه فرمود: «وَإِذَا تَيَقَّنْتُمْ فَأَقْدُمُوا» (حکمت 274)؛ چون به یقین رسیدید اقدام کنید.

۴.۴.۵ پویایی محیط کار با اعمال صحیح قوانین

انسان از آنجهت که دارای ابعاد مادی و معنوی و حیات دنیوی و اخروی میباشد و خواهان رسیدن به سعادت ابدی خویش است، به قوانینی نیاز دارد که بتواند تمام ابعاد وجودی او را پوشش داده و نیازهای وی را تأمین نماید. رسیدن به این وضعیت ممکن نیست مگر آنکه واضح و قانونگذار به ابعاد او آگاهی داشته باشد (حسامی، 21: 1388).

قوانین الهی از آنحیث که واضح آن خدای متعال است، از این ویژگی برخوردار است. قوانین الهی برخلاف قوانین بشری قابل تحریف و تغییر نبوده و برای تمام دورانها وضع شده است و هم اینکه بهگونهای نیست که برخی از آنها را پذیرفت و بقیه را رها کرد بلکه پذیرش تمامی آنها شرط ایمان دینی است (حسامی، 19-18: 1388). از اینرو، یکی از مواردی که حضرت علی (ع) در نهج البلاغه بارها به آن اشاره کرده و خطر آن را اعلام نموده، انجام بدعت گذاریها و تحریف در قوانین دین الهی است. جایگاه بدعتها در نگاه حضرت در این فراز از سخنان ایشان قابل برداشت است: «وَإِنَّ مُحَدِّثَاتِهَا شِرَارُهَا» (خطبه 145)؛ بدترین کارها آنچه تازه پیدا شده و آینده آن روشن نیست.

بنابراین آنچه معتبر است، اصل قوانین دین بهنحویکه هیچ تغییر و تحریفی در آن راه نیافته باشد. چنانکه امام علی (ع) در مورد کسانی که از خود احکامی را ساخته و به دین میافزایند اینگونه با قاطعیت سخن میگوید:

أَفَأَمْرَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينًا نَاقِصًا فَاسْتَعَانَ بِهِمْ عَلَى إِتْمَامِهِ أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَعَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينًا تَامًا فَقَصَرَ الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله) عَنْ تَبْلِيغِهِ وَأَدَاتِهِ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ (خطبه 18)؛

آیا خدای سبحان، آنها را به اختلاف، امر فرمود...؟ آیا خدای سبحان، دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آنها استمداد کرده است؟ آیا آنها شرکاء خدایند که هر چه میخواهند در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد؟ آیا خدای سبحان دین، کاملی فرستاد پس پیامبر (ص) در ابلاغ آن کوتاهی ورزید؟ درحالیکه خدای سبحان میفرماید: ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم.

نباید نتیجه گرفت که قوانین دین به هیچوجه تغییر نکرده و تمام مصادیق و اشکال آن برای همیشه ثابت و لازم الاجراست. بلکه منظور عدم تغییر در اصول و کلیات قوانین دینی است. بلکه در صورتیکه مطابق با مبانی و آموزه های اصیل دینی، قوانین جدیدی وضع شود که در راستای اعمال صحیح قوانین الهی در جامعه تلقی شود، نه تنها محدودیتی نداشته بلکه آن قوانین جدید به لحاظ شرعی جایگزین نمونه های قبلی می گردد (طباطبایی، 1361: 59-61).

چنانکه حضرت امیر (ع) نیز در این زمینه میفرماید: «وَبَيْنَ مُثَبَّتٍ فِي الْكِتَابِ فَرَضُهُ وَمَعْلُومٍ فِي السُّنَّةِ نَسْخُهُ وَوَجِبَ فِي السُّنَّةِ أَخْذُهُ وَمُرْخَصٌ فِي الْكِتَابِ تَرْكُهُ وَبَيْنَ وَاجِبٍ بَوْقْتِهِ وَزَائِلٍ فِي مُسْتَقْبَلِهِ» (خطبه 1)؛ قسمتی از احکام دینی در قرآن واجب شمرده شد که ناسخ آن در سنت پیامبر (ص) آمده، و بعضی از آن، در سنت پیامبر (ص) واجب شده که در کتاب خدا ترک آن مجاز بوده است؛ بعضی از واجبات، وقت محدودی داشته که در آینده از بین رفته است.

این مطلب در حقیقت، پویایی قوانین دینی و امکان انطباق آن با مسائل جدید را روشن میسازد که عامل دوام و پایداری قوانین و حفظ نظم دینی در جامعه به حساب می آید.

۵.۴.۵ مدیریت هدفمند

در هر زمینه ای که فرد یا جامعه خواهان دستیابی به موفقیت و افزایش بهره‌وری از شرایط محیطی و انسانی بوده، شناخت منابع و راههای رسیدن به هدف از لوازم پایهای عملکرد عقلانی در جامعه به حساب می‌آید. عقل معنادهنده و مقوم نظم در جامعه بوده و از اینرو شناخت راههای عملی و ایجاد هماهنگی لازم برای تحقق مطلوب نظم در جامعه، ضروری و اجتنابناپذیر مینماید.

سامان مندی و هدفمندی دو رکن اساسی برهان نظم است. در این نگرش جهان یک واحد نظام مند و هدفدار است.

استاد مطهری در این باره آورده است:

..نوعی هماهنگی در هدف در میان اجزای جهان مشاهده می‌شود؛ مثلاً در قسمتی از جهان که ما زندگی می‌کنیم اوضاع و احوال نشان می‌دهد که زمین، گازهای مجاور آن، آب‌های آن، گیاه‌ها، حیوانات، ماه که به دور زمین می‌گردد، خورشید که زمین به دور او می‌گردد، با یکدیگر نوعی هم‌آهنگی و انطباق دارند و مجموعاً هدف یا هدف‌هایی مشخص را تأمین می‌کنند (طباطبائی و مطهری، ۱۳۹۶: ج ۵/ ۹۲، پاورقی).

اداره هدفمند منابع و امکانات در جامعه، ضمن آنکه می‌تواند جلوی بسیاری از خودسریها و ناکاریها را در جامعه بگیرد، با تشخیص و اقدام مناسب خواهد توانست موجبات عدل را که شرط بقای هر مجموعه ای است، تأمین نماید. حضرت علی (ع) در نامه‌های به فرماندار مکه می‌فرماید: «فَأَقِمْ عَلَى مَا فِي يَدَيْكَ قِيَامَ الْحَازِمِ الصَّلِيبِ وَ النَّاصِحِ اللَّيِّبِ التَّابِعِ لِسُلْطَانِهِ الْمُطِيعِ لِإِمَامِهِ» (نامه ۳۳)؛ در اداره امور خود هشیارانه و سرسختانه استوار باش، نصیحت دهنده ای عاقل، پیرو حکومت و فرمانبردار امام خود باش. حضرت در زمینه تقسیم کارها جهت اداره هرچه بهتر امور سازمانی در وصیت نامه خود به فرزندش امام حسن مجتبی (ع)، می‌فرماید: «وَأَجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ فَإِنَّهُ أَحْرَىٰ أَلَّا يَتَوَكَّلُوا فِي خِدْمَتِكَ» (نامه ۳۱)؛ کار هر کدام از خدمتکارانت را معین کن که او را در برابر آن کار مسئول بدانی، که تقسیم درست کار سبب می‌شود کارها را به یکدیگر وانگذارند، و در خدمت سستی نکنند.

مدیریت هدفمند در جامعه، موجب بهره‌وری مناسب از امکانات و منابع موجود در سازمانها و مجموعه‌های اجتماعی شده و از هدر رفت نیروهای سازمانی در جامعه جلوگیری

می نماید. هم از اینطریق است که هر چیز و هر کس در جایگاه خود قرار گرفته و انضباط اجتماعی حاکم می شود.

۶.۴.۵ برنامه ریزی

برنامه ریزی یعنی انتخاب هدف های « درست » و سپس انتخاب مسیر، راه، وسیله یا روش « درست و مناسب » برای تأمین این هدف ها (استونر، 1375). برنامه ریزی، شناسایی مسیر حرکت و تهیه نقشه آن است و از شمار مولفه های نظم محسوب می شود. با برنامه ریزی می توان گامهای استوار و بلند و پیاپی برداشت. زمان رسیدن به هدف را کوتاه نمود و ضریب اطمینان آن را بالا برد و از سستی، لغزش، دوبارهکاری بی نظمی و ناکامی، دوری جست برای دستیابی به برنامه جامع و کارا می بایست با دوراندیشی و هدفگذاری عالمانه به گونهای عمل نمود که همه اجزای کار با یکدیگر هماهنگ بوده و ساختاری نظم یافته تحقق یابد (جلالیناکبرنیا، 71: 1386).

از جمله خصوصیات برنامه ریزی زمانبندی فعالیتهاست. حضرت علی(ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر در زمینه انجام هر کار در وقت مخصوص خویش می فرماید: «کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روزی، کاری مخصوص به خود دارد» (نامه 53) و در قسمتی دیگر از این نامه میفرماید: «وَ اِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ اَوَانِهَا أَوْ التَّسْطُّطِ فِيهَا عِنْدَ اِمْتِكَانِهَا أَوْ اللِّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ فُضِعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْقِعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ» (نامه 53)؛ مبدا هرگز! در کاری که وقت آن فرا نرسیده شتاب کنی! یا در کاری که وقت آن رسیده، سستی ورزی، تلاش کن تا هر کاری را در جای خود، و در زمان مخصوص به خود، انجام دهی. همچنین آن امام بر برنامه ریزی روزانه هر فرد مؤمن که خواهان توفیق در امور دنیوی و اخروی است تأکید نموده و می فرماید:

لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرُمُّ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدَنِّهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرْمَةِ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ (حکمت 390)

مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت هایی که حلال و مایه زیبایی است. خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت های حلال.

آنچه از این سفارشات برداشت می‌شود تأکید بر داشتن نظم و زمانبندی فعالیتهاست که خود از عوامل ایجابی انضباط اجتماعی در سازمانها و جوامع است.

عوامل مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی

ردیف	مؤلفه‌ها	مصادیق
1	مصلحت‌اندیشی	خطبه 37
2	تنظیم ساختاری	نامه 53
3	اقدام سنجی	نامه 31- نامه 46- حکمت 274
4	اعمال صحیح قوانین	خطبه 145- خطبه 18
5	مدیریت هدفمند	نامه 31- نامه 33
6	برنامه ریزی	نامه 53- حکمت 390
7	اصلاح مجموعه ای	خطبه 216- نامه 53
8	نخچه‌گرایی	خطبه 173- نامه 53- حکمت 81- حکمت 86
9	مقابله با انحرافات	خطبه 22- خطبه 24- نامه 6
10	اصلاح مفاسد	خطبه 129

پس از استنتاج عواملی که در تحقق انضباط اجتماعی مؤثرند، به منظور دستیابی به نتایج عملی لازم است که موانع مدیریتی که موجب سلب انضباط اجتماعی در سازمانها و جامعه می‌گردند، شناسایی و بررسی شوند.

۵.۵ موانع مدیریتی در تحقق انضباط اجتماعی

منظور از موانع مدیریتی در این تحقیق کاستی‌ها و ناراستی‌های ناشی از عدم تدبیر و تدبیر غلط امور و شؤون مدیریتی است که بر بسط و بالندگی انضباط اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد.

۱.۵.۵ عدم رعایت شایسته‌گزینی

شایسته‌سالاری به این معناست که افراد سازمان از نظر نیازهای محیط کار از جمله، نیازهای روحی - روانی و نیازهای مربوط به معاش و گذراندن زندگی به نحو شایسته تأمین شده باشند. نتیجه شایسته‌سالاری باید به تقویت تعلق و وابستگی‌های افراد به سازمان کمک کند، به گونه‌ای که سازمانهای رقیب به راحتی نتوانند به جلب و جذب آنان مبادرت کنند. در یک نظام

متعهد به شایسته داری، محیط کار برای افراد سازمان نشاط انگیز، پر جاذبه و سرشار از صمیمیت است (ابیلی، 1384)

کاتانو، نیوسام و دی شایستگی را این گونه تعریف می کند: هرگونه دانش، مهارت، توانایی یا کیفیت شخصی است که از طریق رفتار نشان داده می شود و منجر به تعالی خدمت دهی می گردد. (باندرا، 2003)

بر مبنای آموزه های امام علی (ع) مسئله توان، لیاقت و شایستگی افراد جزیی از بحث عدالت است و این اصل مهم ترین اصل اداره جوامع (سازمانها) است. از منظر امام علی (ع) هر پستی به تناسب، به توان، خلاقیت، شایستگی و تخصص خاصی نیاز دارد و جایز نیست افراد هر کدام در جای دیگری قرار بگیرند؛ در غیر این صورت، جامعه مسیر رشد، توسعه و کمال را نخواهد پیمود. امام علی (ع) خویشاوند سالاری عثمان را مورد انتقاد قرار داده و فرموده اند: «أَنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ نَافِعًا حِضْنِيهِ بَيْنَ نَسِيلِهِ وَ مُعْتَلِفِهِ وَ قَامَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَةَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ إِلَى أَنْ أَنْتَكْتَ عَلَيْهِ فَتَلُهُ وَ أَجْهَرَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ كَبَتْ بِهِ بِطَنَتُهُ» (خطبه 3)؛ تا آن که سومی به خلافت رسید، دو پهلوی از پرخوری باد کرده، همواره بین آشپزخانه و دستشویی سرگردان بود، و خویشاوندان پدری او از بنی امیه به پاخواستند و همراه او بیت المال را خوردند و بر باد دادند، چون شتر گرسنه ای که بجان گیاه بهاری بیفتد، عثمان آنقدر اسراف کرد که ریسمان بافته او باز شد و اعمال او مردم را برانگیخت، و شکم بارگی او نابودش ساخت.

در این گفتار، آن حضرت بر خویشاوند سالاری عثمان که زمینه تسلط خاندان پدری او را بر جامعه فراهم نمود و هم چنین بر نااهل بودن آنان تصریح نموده اند.

در نظر حضرت علی علیه السلام رهبری جامعه و تمام پست های مدیریتی و سیاسی، کارهای تخصصی ویژه ای هستند که هر کدام افراد خاص خود را می طلبد و هر پستی به تناسب نیاز خلاقیت، شایستگی و تخصص ویژه ای که دارد و جایز نیست که افراد متناسب با نیاز سایر پستها و مشاغل متصدی آنها شوند. زیرا در آن صورت نمی توان به یک نظام مطلوب در سازمان و جامعه دست یافت.

۲.۵.۵ امتیاز خواهی و انحصار طلبی

انحصار در اصطلاح به معنای مخصوص بودن کاری یا امری یا فروش کالایی به کسی یا مؤسسه ای است (دهخدا، 1377: ج ۳/ ۲۹۸۹). امام علی (ع) در فرمانش به مالک اشتر می فرماید: «وَ إِيَّاكَ وَ الْأَسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسْوَةٌ وَ التَّغَابِي عَمَّا تُعْنَى بِهِ مِمَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونِ فَإِنَّهُ

مَأْخُودٌ مِنْكَ لِغَيْرِكَ وَ عَمَّا قَلِيلٍ تَنْكَشِفُ عَنْكَ أَغْطِيَةُ الْأُمُورِ وَ يُنْتَصَفُ مِنْكَ لِلْمَظْلُومِ اِمْلِكْ حَمِيَّةَ اَنْفِكَ» (نامه 53)؛ مبدا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی از اموری که بر همه روشن است، غفلت کنی، زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی، و به زودی پرده از کارها یک سو رود، و انتقام ستم‌دیده را از تو باز می‌گیرند.

امیرمؤمنان علی (ع) درباره انحصارطلبی عثمان و ویژه خواری وی که نابودی دولتش را نیز به دنبال داشت می‌فرماید: «فَأَسَاءَ الْأَثَرَةَ وَ جَزَعْتُمْ فَأَسَأْتُمْ الْجَزَعَ وَ لِلَّهِ حُكْمٌ وَاقِعٌ فِي الْمُسْتَأْثَرِ وَ الْجَازِعِ» (خطبه 30) عثمان استبداد و خودکامگی پیشه کرد، و شما بی‌تابی کردید و از حد گذرانید، و خدا در خود کامگی و ستمکاری، و در بی‌تابی و تندروی، حکمی دارد که تحقق خواهد یافت.

سهم خواهی‌ها و نیز در انحصار گرفتن تمام امور، زمینه را برای تندروی‌ها فراهم می‌کند. این موضوع مانعی اساسی در تحقق انضباط در سازمانها و جوامع می‌باشد.

۳.۵.۵ استبداد رأی

استبداد رأی این است که انسان تنها به دیدگاههای خود اصالت بخشد و برای نقطه نظرات دیگران ارزشی قائل نباشد.

حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

«لَا تَسْتَبِدُّ بِرَأْيِكَ فَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ» (حکمت 161)؛ استبداد رأی نداشته باش؛ زیرا آن کس که خود رأی باشد، هلاک خواهد شد.

امام علی (علیه السلام) (در جای دیگری درباره ضرورت پرهیز از خودرأیی و لزوم مشورت با دیگران فرمود:

«من استبد برایه هلك و من شاور الرجال شاركها في عقولها» (تمیمی آمدی، 1366: ح 811)؛ هر کس خودرأی باشد هلاک شود و کسی که با دیگران مشورت کند خدا آنان را با خود همراه کند.

گسترده‌گی، تخصص و پیچیدگی روزافزون مسائل درک آنها را دشوار کرده است؛ چنانکه در بسیاری موارد فهم همه جانبه‌ی آنها برای یک شخص ناممکن است. از این رو مشورت با متخصصان، برای رسیدن به راه صحیح و اتخاذ تصمیم درست و مصون ماندن از لغزش ضرورت می‌یابد.

موانع مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی

ردیف	مؤلفه ها	مصادیق
1	عدم رعایت شایسته گزینی	خطبه 3
2	انحصار طلبی	خطبه 30- نامه 53
3	استبداد رای	حکمت 161

همانگونه که بیان شد، موانعی در تحقق انضباط اجتماعی وجود دارد، اما برای رفع این موانع، راهبردها و راهکارهایی وجود دارد که می تواند در رفع آنها و در نتیجه تحقق انضباط اجتماعی در سازمان و جامعه مؤثر باشد.

۶.۵ راهکارهای مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی

۱.۶.۵ وقت شناسی و استفاده بهینه از فرصت ها

وقت یعنی فرصت‌ها؛ ساعت‌ها و شب و روز و به طور کلی، سال‌های عمری که در اختیار هر انسانی قرار می‌گیرد. شناختن وقت، یعنی اهمیت وقت و آثار درخشان بهره‌مندی از وقت و راه صحیح استفاده از وقت را بشناسیم و حداکثر استفاده را از آن ببریم. چنان‌که در سخنان امامان(ع) آمده است: با زمان‌بندی صحیح ساعت‌های شبانه‌روز، از وقت خود کمال استفاده را بکنید. امیر مؤمنان علی(ع) در این باره می‌فرماید:

لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرْمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خَطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحْرَمٍ؛

مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است. خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال.

هر کاری را باید در زمان خاص خود انجام داد تا از انباشته شدن کارها جلوگیری شود. به این منظور هر کاری را باید مطابق برنامه به موقع شروع و به موقع به اتمام رساند و کاری را که برای هر روز در نظر گرفته شده را در همان روز و به موقع باید انجام داد و آن را به فردا نیفکند:

کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روزی، کاری مخصوص به خود دارد. نیکوترین وقت ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب کن، اگر چه همه وقت برای خداست (نامه 53)

امام علی (علیه السلام) از دست رفتن فرصت‌ها را موجب اندوه و پشیمانی می‌داند. إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ (حکمت 118)؛ از دست دادن فرصت، اندوه‌بار است.

۲.۶.۵ بالا بردن ظرفیت تحمل

امیرمومنان علی (ع) در حکمت 6 نهج البلاغه بیان میکند: الْإِحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ (حکمت 6)؛ شکیبایی، گورستان پوشاننده عیب هاست. به این معنا که انسان می‌تواند با در پیش گرفتن تحمل، عیوب خویش را به گور سپارد و از میان بردارد؛ زیرا بسیاری از رفتارهای نابه‌هنجار آدمی، ریشه در کم‌تحملی و ناشکیبایی دارد.

از این رو تحمل‌پذیری به عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های اصلاح رفتاری از سوی امیرمومنان (ع) توصیه و سفارش شده. اگر همه افراد جامعه ظرفیت تحمل خویش را بالا برند، منجر به ایجاد انضباط اجتماعی در سازمان و جامعه می‌شود.

۳.۶.۵ وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید به دیگران است. نوعی احساس تعهد و پایبندی به دیگران، تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته است و بر رفتارهای او اثر می‌گذارد (سبحانی نژاد، 18: 1379)

در اسلام هر فردی علاوه بر اینکه به مصالح خودش می‌اندیشد و در برابر خودش مسئول است؛ در برابر دیگر افراد جامعه و هم‌نوعان خود نیز مسئولیت دارد. (مصباح یزدی، 1393: 178)

مسئولیت‌پذیری در لسان روایات نیز همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. امام علی (علیه السلام) آن‌چنان خود را در پیشگاه خدا مسئول می‌داند که حتی درباره آنچه می‌گوید وجود خویش را ضامن قرار داده و می‌فرماید: «ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةٌ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ» (خطبه 16)؛ آن‌چه می‌گویم به عهده می‌گیرم، و خود به آن پای بندم و همین احساس مسئولیت بود که ایشان را به قبول خلافت و ادار کردن چنان‌که می‌فرمایند:

وَاللَّهُ لَقَدْ سَمِعُوهَا وَوَعَوْهَا وَلَكِنَّهُمْ حَلَبَتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ وَرَأَوْهُمْ زُرْجُهَا أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَمْ يَأْتِ الْحُضُورُ الْحَاضِرُ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبَ مَظْلُومٍ لَأَلْفَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسٍ أَوْلَهَا وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنزٍ (خطبه 3)؛

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، و یاران حجّت را بر من تمام نمی کردند، و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می ساختم، و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می کردم، آنگاه می دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله ای بی ارزش تر است.

۴.۶.۵ جلوگیری از تداخل مسئولیتها و وظایف

از اموری که سبب پریشانی برنامه ها و آسیب جدی به نظم امور است، تداخل مسئولیت ها و وظایف است، بدین معنا که هر یک از مسئولان امور در حیطه ی دیگری دخالت کند و از حیطه خود غافل گردد، و یا به جای آن که به وظایف مشخص خود همت نماید، متوجه اموری دیگر شود. موضع قاطع و شدید امام علی (ع) در این موارد گویای حساسیت جلوگیری از تداخل مسئولیت ها و وظایف است که پیامدهای این تداخل می تواند بسیار آسیب زننده و ویرانگر باشد.

در دورانی که سپاهیان غارتگر معاویه به مناطق حکومت امیرمؤمنان علی (ع) حمله می کردند، کمیل بن زیاد فرماندار امام بر «هیت» به جای آن که در برابر دشمن بایستد و حوزه ی کارگزاری خود را حفظ کند، از آن منطقه خارج شد و به «قرقیسیا» که تحت فرماندهی معاویه بود حمله برد و در واقع مسئولیت خود را رها کرد و به کاری پرداخت که در حوزه ی وظایفش نبود و نباید چنان می کرد، پس امام (ع) نامه ای بدو نوشت که جنبه ی توبیخ داشت و در آن نامه او را از این گونه امور به شدت پرهیز داد و فرمود:

«أما بعدُ، فإنَّ تَضْيِيعَ الْمَرْءِ مَا وَوَلِيَّ وَ تَكْلُفُهُ مَا كُفِيَ لَعَجْزٌ وَ رَأْيٌ مُتَبَرِّئٌ. وَ ان تَعَاطَيْكَ الْغَارَةَ عَلَيَّ أَهْلَ قَرْقِيسِيَا وَ تَعْطِيلَكَ مَسَالِحِكَ الَّتِي وَ لِيْنَاكَ لَيْسَ بِهَا مَن يَمْنَعُهَا وَ لَا يَرُدُّ الْجَيْشَ عَنْهَا لِرَأْيِ شِعَاعٍ.» (نامه 6)

پس از یاد خدا و درود سستی انسان در انجام کارهایی که بر عهده اوست، و پافشاری در کاری که از مسؤولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار، و اندیشه ویرانگر است. اقدام تو به

تاراج مردم «فرقیسا» در مقابل رها کردن پاسداری از مرزهایی که تو را بر آن گمارده بودیم و کسی در آنجا نیست تا آنجا را حفظ کند، و سپاه دشمن را از آن مرزها دور سازد، اندیشه‌ای باطل است.

راهکارهای مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی

ردیف	مؤلفه‌ها	مصادق در نهج البلاغه
1	وقت شناسی و استفاده بهینه از فرصت‌ها	حکمت-390 نامه-53-حکمت-20-حکمت-118
2	بالا بردن ظرفیت تحمل	حکمت-6
3	وظیفه شناسی و مسولیت پذیری	خطبه-3-خطبه-16
4	جلوگیری از تداخل وظایف و مسولیت‌ها	نامه-61

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انضباط اجتماعی در هر جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا دوام و قوام هر جامعه‌ای به حفظ انضباط اجتماعی آن جامعه بستگی دارد و انضباط اجتماعی میسر نخواهد شد مگر اینکه هنجارهای تعریف شده جامعه مورد احترام افراد واقع شود.

نظم اجتماعی، مستلزم نظم و انضباط فردی افراد است و زندگی سالم اجتماعی در سیستمها و نظامها زمانی تحقق می‌یابد که افراد، قوانین، قواعد، مقررات، حدود و حقوق یکدیگر را محترم شمارند و احترام به قانون، نظم پذیری، مسولیت پذیری و وظیفه شناسی در جامعه نهادینه شود و با جسم و روح افراد آن عجین گردد. برای انضباط اجتماعی نه تنها باید از طریق کار فرهنگی، احترام به قانون و مقررات را به عنوان یک ارزش در وجود افراد جامعه، درونی ساخت، بلکه لازم است از طریق شناسایی عوامل مؤثر باین پدیده مهم، در جهت استقرار و حاکمیت انضباط اجتماعی در جامعه یاری کرد. لازمه این امر، این است که عوامل مؤثر و مرتبط با انضباط اجتماعی را شناسایی، موانع را تضعیف و راهکارهای تسهیل کننده و مشوق را تقویت کرد.

در این تحقیق ابتدا اهمیت نظم در زندگی مورد بررسی قرار گرفت و سپس اصول و فنون انضباط در سازمان و جامعه بررسی گردید.

در این ادامه با استناد به آموزه‌های تربیتی امام علی (ع) بویژه در نهج البلاغه، عوامل مدیریتی مؤثر در انضباط اجتماعی شناسایی گردید. در این خصوص 10 مؤلفه استخراج شد

و برای این مؤلفه ها 21 مصداق از خطبه ها، نامه ها و حکمت های نهج البلاغه استخراج و استخراج شده اند.

در گام بعد موانع مدیریتی که در تحقق و گسترش انضباط اجتماعی نقش داشته اند، شناسایی گردید. در این خصوص 3 موانع استخراج گردید. برای این موانع، 4 مصداق از خطبه ها، نامه ها و حکمت های نهج البلاغه استخراج شد.

پس از آن راهکارهای مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی و گسترش آن در سازمانها و جوانع مورد بررسی قرار گرفت. در این 4 راهبرد استخراج شد و برای این راهبردها 8 مصداق از خطبه ها، نامه ها و حکمت های نهج البلاغه استخراج گردید.

عواملی که در این تحقیق استخراج شده و مورد بررسی قرار گرفت، مختص به زمان و دوره امام علی (ع) نمی باشد، بلکه این عوامل برای هر دوره و زمانی قابل اجراست و چنانچه این عوامل و نیز موانع و راهکارها، ملاک و معیار انضباط اجتماعی قرار گیرد، آثار مثبت آن در سازمان ها و جوامع محقق خواهد شد.

کتابنامه

- قرآن کریم
نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
ابطحی، سید مصطفی. (1375) نقش فرهنگ ملی و بومی در وجدان کاری و انضباط اجتماعی، تهران: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی.
ابیلی، خدایار. (1384) ضرورت بحث درباره توسعه شایسته سالاری در سازمان ها، تهران: نشر شیوه.
استونر، جیمز، فری من، ادوارد. (1375) مدیریت، مترجم علی پارسیان و سید محمد اعرابی، تهران: شرکت چاپ و نشر بازگانی.
افجه ای، سید علی اکبر. (1377) «بررسی راههای عملی تقویت وجدان کاری»، مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت، ش 27 و 26، صص 93-115.
الوانی، سیدمهدی. (1375) مدیریت عمومی، تهران: نشر نی.
تمیمی آمدی، عبدالواحد (1366). غررالحکم و دررالكلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
جلائیان اکبر نیا، علی. (1386) «نظم و انضباط اجتماعی در آموزه های اسلامی». مجله الهیات و حقوق، ش 25. صص 67-94.
جلبی، مسعود. (1391) جامعه شناسی نظم تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

حجازی طاقانکی، سیده محترم. (1396) *نظم اجتماعی در عهدنامه مالک اشتر و ارتباط آن با آیات قرآن بر اساس تفسیر نمونه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب.

حسامی، فاضل. (1388) «اسلام و نظم اجتماعی»، *مجله معرفت*، ش 139، صص 11-33.
دشتی، محمد. (1389) *نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام*، قم: انتشارات اشکذر.

دلشاد تهرانی، مصطفی (1385)، *سیره نبوی منطبق عملی*، تهران: نشر دریا.

دهخدا، علی اکبر. (1377) لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.

رضاییان، علی و اسدالله زاده، حامد. (1393) «عوامل بازدارنده فساد اداری از نگاه امیر المؤمنین علی علیه السلام»، *مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ش 9، صص 57-75.

روحانی، عباس و کریمی، فرزاد. (1376) «بررسی روش های ارتقای بهره وری در ساعات کار در ارتباط با وجدان کاری و انضباط اجتماعی»، تهران: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی.

سبحانی نژاد، مهدی. (1379) *مسئولیت پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی ایران و طراحی برای آینده*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس

شریعتمداری، علی. (1390) *روان‌شناسی تربیتی*، اصفهان، مشعل.

شعاری نژاد، علی اکبر (1383)، *روان‌شناسی رشد*، تهران: دانشگاه پیام نور.

صمدی، لیلی. (1390) *نظم فردی و اجتماعی و مطالعه آن در سیره و سخن حضرت علی علیه السلام*، اصفهان: دانشگاه معارف قرآن و عترت، دانشکده علوم قرآن و حدیث.

طباطبائی، سید محمد و مطهری، مرتضی. (1396) *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران: صدرا.

گالیمار، پیویر. (1387) *رفتار با کودک*، ترجمه زهرا معتمدی، تهران: گوهر دانش

گرجیان، محمد مهدی و حسنی علیایی، مریم. (1390) «اسلام، اخلاق و انضباط اجتماعی». *پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*، ش 37، صص 74-57.

محسنی، منوچهر. (1394) *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران: نشر دوران.

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. (1386) *نظم و انضباط*، قم: بوستان کتاب.

مصباح یزدی، محمد تقی (1393)، *فلسفه اخلاق*، مترجم احمدحسین شریفی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

مصباح یزدی، محمد تقی. (1379) *قرآن در آینه نهج البلاغه*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

ملائی، کامبیز. (1387) «خرده فرهنگ های محلی و انضباط اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش 14، صص 77-96.

- Bonder, A. (2003). A blueprint for the future: Competency based management in KRDC. Canada
- Irwin, Kyle & McGrimmon, Tucker & Simpson, Brent (2010). Sympathy and Social Order, University of South Carolina.
- Stewart, J.E. (2008). Locus of Control and Self-Attribution as Mediators of Hazardous Attitudes among Aviators: A Review and Suggested Applications, *International Journal of Applied Aviation Studies*, 8(2), 263-280.
- Sunday Mboho , Kingdom& Sunday Udoh, Unwana-Abasi(2019). "SOCIAL ORDER: CHALLENGES AND PROSPECTS IN NIGERIA, NORTH WEST SENATORIAL DISTRICT OF AKWA IBOM STATE PERSPECTIVE Global, *Journal of Arts*", *Humanities and Social Sciences*Vol.7, No. 6, pp.1-10.
- Wilkena, C.S., Walkera, K., Sandberga, J.G., & Holcombb, C.A (2002). "A Qualitative Analysis of Factors Related to Late Life Independence as Related by the Old-Old and Viewed Through the Concept of Locus of Control", *Journal of Aging Studies*, 16 (1), 73–86.